

بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه

[تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۲]

محمود سرافراز*

رحیم صبور**

چکیده

تحریف‌ناپذیری قرآن از جمله باورهایی است که علمای اسلام، چه شیعه و چه سنی، بر آن اصرار دارند و در اعصار مختلف به واسطه ادله نقلی و عقلی از آن دفاع کرده‌اند. وهابیت در قرون اخیر و در ادامه آن گروه‌های سلفی جهادی متأثر از اندیشه وهابیت، کوشیده‌اند به هر بهانه‌ای شیعیان را از دایره اسلام خارج کنند. از جمله دلایلی که سلفی جهادی‌ها برای تکفیر شیعیان به آن استناد می‌کنند مسئله تحریف قرآن است. آنها می‌گویند شیعه قائل به تحریف قرآن کریم است و کسی که این عقیده را داشته باشد، کافر است، در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد علمای شیعه همچون علمای اهل سنت نه تنها قائل به تحریف‌ناپذیری قرآن کریم هستند بلکه در قرون مختلف از تحریف‌ناپذیری قرآن دفاع کرده و برای آن ادله عقلی و نقلی آورده‌اند. به علاوه، درباره تکفیر قائلان به تحریف قرآن در میان مسلمانان اختلاف وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سلفی جهادی، تکفیر، شیعه، تحریف قرآن.

مقدمه

علمای اهل سنت و شیعه، علی‌رغم اختلاف نظر در مسائل مختلف، در برخی اصول، نظر واحد داشته و برخی مسائل محل اجماع و تأیید هر دو گروه بوده است. از جمله این اصول محل اتفاق، مسئله تحریف‌نشدن قرآن کریم است که شیعه و سنی معتقدند قرآن حتی پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از نزول آن بر پیامبر (ص) از هر گونه تحریفی مصون است. اندک افرادی از هر دو فرقه در برهه‌هایی از زمان معتقد به نوعی تحریف در قرآن بودند که علی‌رغم مناقشه علمی علمای فریقین در دیدگاه آنها، به تکفیر پیروان آن مذهب حکم نمی‌کردند. اما در قرن دوازدهم هجری و با پیدایش وهابیت، خدشه‌کردن در عقاید و باورهای مسلمانان در مسائل مختلف شدت گرفت و علمای وهابیت، مسلمانان جهان را به دلیل داشتن برخی عقاید تکفیر می‌کردند. حتی با افترازدن و دادن برخی نسبت‌های ناروا به مسلمانان، ایشان را از دایره اسلام و دین خارج می‌دانستند و جان و مال و ناموسشان را مباح می‌انگاشتند.

از جمله این افتراءات که وهابیت به شیعه نسبت داده و به سبب آن، شیعیان را کافر دانسته‌اند، مسئله تحریف قرآن است که با استناد به ظاهر برخی روایات و نیز دیدگاه اندک افرادی از علمای شیعی، تمام شیعیان را متهم کرده‌اند، هرچند عین یا مضمون همین روایات را در کتب معتبر اهل سنت نیز می‌توان یافت. در پی آن، گروه‌های سلفی جهادی^۱ و رهبران آن، که زائیده افکار و عقاید وهابیت‌اند، این مسیر را دنبال کرده و با همین اتهام شیعه را تکفیر می‌کنند و جان و مال و ناموس او را مباح می‌دانند. در این مقاله بر آنیم پس از بیان اقوال علما و رهبران گروه‌های سلفی جهادی (که همچون اقوال علمای وهابی، حاوی افراط در تکفیر است)، با استفاده از ظرفیت علمای شیعه و سنی عقاید این گروه‌ها را نقد، و از شیعه رفع اتهام کنیم. هرچند برخی دیگر از گروه‌های سلفی نیز به تکفیر شیعه دست زده‌اند، اما افراط سلفیان جهادی در تکفیر و اقدام مسلحانه در این زمینه انگیزه‌ای شد تا روی سخن در این مقاله به سوی این گروه باشد.

مفهوم‌شناسی تحریف

تحریف از ماده «حرف» به معنای متمایل کردن چیزی از مسیر و وضع اصلی است

بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف‌شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه / ۵۳

(ابن‌عباد، بی‌تا: ۸۲؛ ازهری، بی‌تا: ۱۲/۵). در قرآن نیز به این معنا اشاره شده است: «مَنْ أَلْدِينَ هَادُوا يَحْرُفُونَ أَلْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ؛ برخی از کسانی که یهودی‌اند، حقایق [کتاب آسمانی] را از جایگاه‌های اصلی و معانی حقیقی‌اش تغییر می‌دهند» (النساء: ۴۶). معنای اصطلاحی تحریف نیز به معنای لغوی باز می‌گردد و مصادیق متعددی دارد که مهم‌ترین آنها تحریف لفظی و معنوی است. تحریف لفظی به معنای زیادت یا نقصان یا تغییر و تبدیل در کلمات و حروف آن است و تحریف معنوی به معنای تغییر در معنای الفاظ قرآن و مراد و مقصود از آن است (حسینی، ۱۳۷۵: ۴۴). تحریف در معانی مختلفی به کار می‌رود که برخی از آن به اتفاق علما، در قرآن اتفاق افتاده و برخی هم به اجماع مسلمانان، اتفاق نیفتاده و برخی هم محل اختلاف است. تحریف به معنای تفسیر به رأی، زیادت و نقصان برخی از حروف و حرکات با حفظ اصل قرآن و زیادت و نقصان کلمه قبل از یکی شدن مصاحف، محل اجماع است. تحریف به معنای زیادی قرآن بر آنچه بر پیامبر نازل شده نیز بالاتفاق مردود است. اما درباره نقصان قرآن از آنچه بر پیامبر نازل شده، اختلاف است (خویی، بی‌تا: ۱۹۹-۲۰۰). آنچه محل بحث و اختلاف علمای اسلامی است، تحریف به نقصان کلمه (بعد از یکی شدن مصاحف) یا آیه یا سوره است (شریفی، ۱۴۲۹: ۱۹-۲۰).

سخنان برخی از علما و رهبران سلفی جهادی

برای روشن‌شدن بیان علمای سلفیه جهادی کلام آنها در این باره را ذکر می‌کنیم: ابومصعب زرقاوی در نامه خود به اسامه بن لادن، پس از اینکه شیعه را خطری قریب‌الوقوع معرفی می‌کند، در این باره می‌گوید شیعه به چند دلیل کافر است. سپس در ادله خود به مسئله تحریف قرآن نیز اشاره می‌کند که در کتب معتبر شیعه به آن اشاره شده است^۱ (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۵۹).

او در جای دیگری نیز ادعای خود را درباره اینکه شیعیان قائل به تحریف قرآن هستند تکرار کرده است و در اینکه آنها بدین جهت کافرند به قول ابن‌تیمیه استشهاد می‌کند (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۵۲۱). زرقاوی تحریف قرآن را اعم از تحریف لفظی و معنوی می‌داند و تحریف قرآن به دست شیعه را به علت فقدان آیاتی از قرآن که با عقاید آنها منطبق باشد، بیان می‌دارد^۲ (همان: ۵۸۷).

ابومصعب سوری^۴ نیز علمای شیعه را به عقیده تحریف قرآن متهم کرده و شیعه را به سبب این اعتقاد از دین اسلام خارج دانسته و آنها را کافر شمرده است (سوری، بی تا: ۱۶۱ و ۱۷۲).

طرطوسی^۵ در کتاب مجموع فتاوی خود در پاسخ به پرسشی درباره ازدواج با زنان شیعی می نویسد این گروه کافرند، زیرا عقاید باطلی دارند، از جمله تحریف قرآن و ازدواج با ایشان جایز نیست (طرطوسی، بی تا ب: ۳۶-۳۵/۲). او در جای دیگری، شیعه را جزء طایفه مشرکان می شمارد: «ادله نقلی و عقلی و حسی فراوانی وجود دارد که شیعه اثناعشریه، گروهی مشرک است و از دایره اسلام خارج است و دین آنها بر پایه کذب و تکذیب دیگران بنا شده است» (همان). سپس علت مشرک بودن شیعه را بیان می کند و از جمله دلایل کفر آنان را قول به تحریف قرآن می داند: «کفر شیعه از چند جهت است اول اینکه آنها قائل به تحریف قرآن هستند» (همان: ۲). او در جای دیگری قول به تحریف قرآن به دست شیعه را باعث منهدم شدن ارکان شریعت و دین معرفی می کند (همان: ۲۸).

همچنین، مقدسی^۶ در جواب این پرسش که «آیا عوام شیعه کافرند؟» خاصه را به عللی از جمله قول به تحریف قرآن کافر می شمرد و عوام شیعه را در صورت جهل به حقیقت مذهب خود و در صورت اظهارنکردن به چنین عقایدی، تبرئه می کند، هر چند او راجع به بی اطلاعی شیعیان از درون مذهب خود ابراز تردید می کند (مقدسی، بی تا ب: ۶۱). در جای دیگری شیعیانی را که چنین اعتقادی دارند کافر دانسته است (همو، بی تا ج: ۴). مقدسی شیعیان را از قائلان به تحریف قرآن می داند (همو، بی تا الف: ۲).

ابوبصیر طرطوسی تحریف قرآن به دست شیعیان را به دو بخش تحریف در تأویل و تحریف در تنزیل تقسیم کرده است. او در بخش تحریف تأویلی قرآن به روایاتی از کتاب کافی مثال زده است که آن روایات به مصداق شناسی آیات اشاره دارد. برای نمونه کتاب کافی در تفسیر آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ قرآن هدایت می کند به سوی چیزی که باقوام تر است» حدیثی بیان کرده است که «یهدی للتی ...» را به «یهدی للامام علی (ع)» تفسیر کرده است (طرطوسی، بی تا الف: ۱-۵). طرطوسی در قسم تحریف تنزیل به مسئله کم و زیاد شدن آیات قرآنی مثال زده است. او در این باره به روایاتی در کتب شیعه، از جمله کتاب الکافی، استناد کرده است. برای نمونه کلینی در کافی گفته

است: «امام باقر (ع) فرموده است کسی نمی‌تواند ادعا کند که کل قرآن را همان‌طوری که نازل شده، جمع کرده است مگر علی بن ابی طالب (ع)». یا در حدیثی دیگر آمده که به جز اوصیا کسی نمی‌تواند ادعا کند که در نزد او ظاهر و باطن قرآن است (همان: ۵). طرطوسی چرایی قائل‌بودنش به تحریف قرآن را چنین بیان کرده است:

کسی که قائل به تحریف قرآن است در واقع برخی از آیات قرآن را قبول ندارد. مانند آیه ۹ سوره حجر که می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ ما قرآن را نازل کردیم و خود آن را حفظ می‌کنیم»، در حالی که این سخن صریح خداوند است که فرموده من آن را حفظ می‌کنم. یا در آیه اکمال که می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)؛ امروز دین را برای شما کامل کردم و بر شما نعمتم را تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم». در این آیه، خداوند می‌فرماید دین کامل شد، در حالی که کسی که قائل به زیادت یا نقصان قرآن است قائل به ضد این است و می‌گوید دین کامل نشده است. همچنین، این آیه قرآن را انکار کرده است که می‌فرماید: «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه می‌دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند» (مائده: ۶۷). زیرا نقصان یا زیادت قرآن به معنای ابلاغ‌نشدن رسالت از ناحیه پیامبر (ص) است. طرطوسی تعداد آیات را بیش از اینها می‌داند و معتقد است انکار این آیات منجر به کفر شیعه می‌شود (طرطوسی، بی‌تا الف: ۸-۹).

خلاصه بیان علمای سلفی جهادی درباره تحریف قرآن در یک قضیه خلاصه می‌شود: علمای شیعه قائل به تحریف قرآن هستند. هر کس قائل به تحریف قرآن باشد کافر است. پس در نتیجه شیعه و علمای شیعه کافرند.

بنابراین، صغرا و کبرای این قضیه از دو ادعا تشکیل شده که باید بررسی شود؛ یکی اینکه شیعه قائل به تحریف قرآن است. دوم اینکه هر کس قائل به تحریف قرآن است کافر است. اگر این دو ادعا اثبات شود نتیجه‌ای که ذکر شد نیز درست است؛ یعنی شیعه کافر است و اگر این هر دو یا یکی از آنها اثبات نشود نتیجه آن، یعنی تکفیر شیعه، به سبب این دلیل مردود است.

ادعای اول (صغرای قضیه): انتساب تحریف قرآن به علمای شیعه

گروه‌های سلفی جهادی معتقدند شیعه قائل به تحریف قرآن است که دلیل بر این ادعا به دو مطلب بازگشت می‌کند؛ یکی آنکه احادیثی از تحریف قرآن در کتب معتبر حدیثی شیعه وجود دارد و این خود نشان عقیده به تحریف قرآن است. دوم اینکه علمای شیعه قائل به تحریف قرآن هستند. مانند محدث نوری که کتابی درباره تحریف قرآن نگاشته است (سوری، بی‌تاب: ۱۶۱-۱۶۲).

الف. وجود روایات تحریف قرآن در کتب شیعه

در این باره علمای سلفی جهادی به اندک روایاتی که در برخی از کتب شیعه آمده است مثال می‌زنند که در کلام طرطوسی به برخی از آنها اشاره شد. پاسخ به این ادعا به دو صورت نقضی و حلی است:

پاسخ نقضی

با توجه به ملاک مذکور در مسئله تحریف قرآن، لبه تیغ تیز علمای سلفی جهادی به تمام مسلمانان اصابت می‌کند. زیرا روایات مذکور در کتب حدیثی اهل سنت نیز وجود دارد و طبق بیان عسکری، اکثر روایاتی که در کتب شیعه وجود دارد از مکتب خلفا به کتب شیعه وارد شده است (عسکری، ۱۳۷۸: ۱۱۹/۳-۱۲۹). بنابراین، صرف وجود روایات در کتب حدیثی شیعه و اهل سنت به معنای پذیرش تحریف قرآن نیست. در ذیل به برخی از روایات تحریف قرآن در کتب حدیثی اهل سنت اشاره می‌شود؛

۱. در روایتی از صحیح بخاری عمر مدعی نزول آیه‌ای درباره رجم شده است که در قرآن وجود ندارد (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۶۸/۸، ح ۶۸۳۰).
۲. روایتی از عایشه؛ آیه رجم و رضاع کبیر نازل شده و در یک صحیفه زیر سر من بود که وقتی پیامبر (ص) فوت کرد ما مشغول به کفن و دفن حضرت شدیم. در این زمان موریانه آن را خورد (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ۳۴۲/۴۳؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۹: ۴۳۹).
۳. عمر می‌گوید: «اگر مردم نمی‌گفتند عمر چیزی به قرآن اضافه کرده است، من آیه رجم را به قرآن اضافه می‌کردم». این بدین معنا است که عمر قائل است آیه رجم از قرآن کم شده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ۶۹/۹، ۱۲۰/۱۲ و ۱۴۳).

بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف‌شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه / ۵۷

۴. روایت عائشه؛ سوره احزاب در زمان رسول خدا (ص) دویست آیه بوده است، اما زمانی که عثمان قرآن‌ها را جمع، و یکی کرد، جز همین مقدار که اکنون وجود دارد یافت نشد، یعنی ۷۳ آیه (سیوطی، ۱۳۹۴: ۸۲/۳).

۵. روایت عبدالله بن عمر؛ کسی ادعا نکند که تمام قرآن را دارد و تمام قرآن را گرفته است. او چه می‌داند تمام قرآن چیست. بسیاری از قرآن از بین رفته است (همان: ۸۲/۳).

پاسخ حلی

به روایاتی که به ظاهر بر تحریف قرآن دلالت دارند چند پاسخ حلی می‌توان داد؛

پاسخ اول: خبر واحد بودن روایات تحریف قرآن و متواتر بودن قرآن

طباطبایی در این باره می‌نویسد اولاً، اخبار تحریف، خبر واحدند و در آن روایات، خبر متواتر یا خبر واحد همراه با قرینه قطعی وجود ندارد (در نتیجه باید گفت این اخبار ضعیف‌اند)؛ ثانیاً، روایات تحریف که دال بر زیاده یا نقیصه هستند با نظم اعجازگونه قرآن نمی‌سازد (یعنی اگر چیزی از قرآن کنونی کم یا زیاد کنیم نظم اعجازگونه قرآن به هم می‌ریزد) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۲/۱۲). محمدجواد بلاغی نیز روایات تحریف قرآن را روایاتی شاذ می‌داند که در خور اعتنا نیست (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱۸/۱). مصطفی زید نیز این گونه روایات را در شأن کسانی چون عبدالله بن عمر و عایشه نمی‌داند و آن را جعلی و از دسیسه‌های دشمنان اسلام می‌داند (زید، ۱۴۰۸: ۲۸۳/۱).

پاسخ دوم: قابل حمل بودن روایات تحریف

بسیاری از علمای شیعه درباره روایات تحریف موضع خود را بیان کرده و آنها را حمل بر تحریف معنوی، اختلاف قرائات تفسیری (محمدی، ۱۴۲۳: ۵۵-۵۶)، بیان شأن نزول مصداق‌شناسی و ... کرده‌اند (شریفی، ۱۴۲۹: ۱۱۹-۱۲۰). در ذیل به نظر برخی از بزرگان شیعه اشاره می‌شود؛

۱. شیخ مفید می‌گوید بعضی از شیعیان گفته‌اند از قرآن هیچ کلمه یا آیه یا سوره‌ای کم نشده، اما آنچه در مصحف علی (ع) به عنوان تأویل و تفسیر معانی آیات طبق

حقیقت نزول آنها بوده، حذف شده است؛ آنها حقایقی ثابت و نازل شده است که جزء قرآن و معجزه الهی نبوده، بلکه تأویل قرآن است که قرآن نامیده شده؛ چنانچه در خود قرآن به تأویل قرآن، قرآن گفته شده است (نک: طه: ۱۱۴). به نظر من، این سخن به حق شبیه تر است از حرف کسی که مدعی کاهش کلماتی از خود قرآن است نه تأویل آن. همچنین، وی در ادامه به تحریف نشدن قرآن به زیادت قائل می شود (مفید، ۱۴۱۳: ۸۰-۸۲). در نهایت، باید گفت شیخ مفید تحریف نشدن قرآن به زیاده و نقیصه را اختیار کرده است.

۲. خویی در این باره می نویسد زیاداتی که در برخی روایات به آن اشاره شده از باب تفسیر و تأویل یا تنزیلی (محمدی، ۱۴۲۳: ۴۴-۴۵) است که شرح مراد خداوند از آن آیه است؛ نه اینکه جزء قرآن باشد (خویی، بی تا: ۲۲۳ و ۲۳۱).
 علمای اهل سنت نیز که در کتب معتبرشان بسیاری از روایات تحریف وجود دارد، به همین صورت روایات تحریف را توجیه کرده اند؛

۱. حمل بر تفسیر: زرکشی زیادهایی را که در برخی روایات آمده تفسیریه گرفته است؛ مثلاً در روایتی که عایشه و حفصه کلمه «صلاة العصر» را به آیه «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (البقرة: ۲۳۸) اضافه کردند آن را کلامی تفسیری برای بیان معنای صلوة الوسطی گرفته اند (زرکشی، ۱۴۱۷: ۱/۲۱۵).
 ۲. حمل بر حدیث قدسی: چفری، از مفسران اهل سنت، آیه رجم و رضاع را حمل بر حدیث قدسی کرده و گفته است این حدیثی قدسی بوده که از بین رفته است (چفری، ۱۹۵۴: ۸۶). علاوه بر این، احتمالات دیگری نیز درباره روایات مذکور داده شده است (محمدی، ۱۴۲۳: ۶۷).

پاسخ سوم: طرد روایات تحریف

طبق مبنای شیعه، هیچ یک از روایات به صرف اینکه در فلان کتاب آمده است عمل کردنی نیست، مگر پس از بررسی سند و انطباق آن با قرآن و سنت. اگر روایتی از لحاظ سندی صحیح باشد اما محتوای آن با قرآن سازگار نباشد، باز روایت مذکور عمل کردنی نیست و باید از آن دست کشید، چنان که سفارش به این مسئله در روایات بسیاری آمده است؛ مثلاً امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرموده است: «فَمَا وَاقَقَ

بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف‌شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه / ۵۹

کِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ آنچه موافق با کتاب خدا است بگیرید و آنچه مخالف با کتاب خدا است رها کنید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۹/۱). لذا روایات تحریف چون با برخی آیات قرآن از جمله آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم» مخالف است، آن روایات را کنار گذاشته و به آن عمل نمی‌شود. خوبی در این باره می‌نویسد اگر این روایات قابل حمل نبود باید آنها را طرد کرد و به آن عمل نکرد، چنانچه در احادیث متواتر امر شده که روایات به کتاب و سنت عرضه شود (خویی، بی‌تا: ۲۳۰).

ب. قول به تحریف قرآن به دست علمای شیعه

سلفی جهادی‌ها در این قسمت از بیان خود انگشت اتهام تحریف قرآن را به سوی علمای شیعه نشانه رفتند و علمای شیعه را به قول به تحریف قرآن متهم کردند و حکم تحریف را به تمام علمای شیعه از قداما و متأخران نسبت دادند که در ادامه صحت و سقم آن بررسی می‌شود؛

الف. پاسخ نقضی

اگر در ظاهر، افراد بسیار نادر از علمای شیعه قائل به تحریف قرآن هستند، همین مسئله درباره اهل سنت نیز وجود دارد و علمای نادری از آنان نیز قائل به تحریف قرآن هستند؛ مانند سجستانی که در کتاب *المصاحف* برخی از احادیث تحریف قرآن را آورده است (نک: سجستانی، ۱۴۲۳: ۴ و ۹؛ *اکنوبه تحریف القرآن*، بی‌تا: ۵ و ۱۱) و یکی از اندیشمندان الأزهر کتابی به نام *الفرقان فی تحریف القرآن* نگاشته است (*اکنوبه تحریف القرآن*، بی‌تا: ۵ و ۱۱). آیا صحیح است به جهت این چنین اقوال شاذ و نادر و اندک افرادی، قول به تحریف قرآن را به تمام علمای اهل سنت نسبت داد؟ قطعاً چنین نسبتی، کلامی است به دور از انصاف و واقعیت. بلکه باید گفت این افراد فقط ناقلان و جمع‌کنندگان احادیث در کتب بودند و درباره صحت و سقم آن چیزی نگفتند، همان‌گونه که در اهل سنت نیز این رویه در علمای اهل سنت بوده است که احادیث را (بدون نسبت‌دادن صحت و سقم به آن) جمع‌آوری می‌کردند (محمدی، ۱۴۲۳: ۷۳).

ب. پاسخ حلی

واقعیت آن است که اکثریت قریب به اتفاق علمای شیعه قائل به تحریف نشدن قرآن به زیاده و نقیصه، تغییر و تبدیل هستند.^۷ شاهی بر این ادعای اشعری (اشعری، ۱۴۰۰: ۴۷)، از علمای قرن چهارم، راجع به اختلاف روافض (شیعه) در تحریف قرآن به زیاده و نقیصه نیز یافت نمی‌شود، بلکه شیخ صدوق از علمای قرن چهارم به صراحت ادعای تحریف قرآن به زیاده و نقیصه را رد کرده و نظر علمای امامیه را بر تحریف نشدن قرآن بیان می‌دارد (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۴). ضمن اینکه فقدان قول صریح درباره نقصان و زیادت قرآن، خلاف ادعای اشعری است. شاید فرد یا افراد نادری از علمای شیعه مانند محدث نوری باشند که در برهه‌ای زمانی قائل به تحریف بودند که در خور اعتنا نیست، حتی باید گفت محدث نوری نیز قائل به تحریف قرآن نبوده است. زیرا پس از اینکه برخی بر کتاب او ردیه نوشتند، او در جواب گفت منظور من از تحریف، تبدیل و تغییر قرآن نیست و منظور من از قرآن، قرآن فعلی که در زمان عثمان جمع شده، نیست. صاحب مستدرک درباره کتاب محدث نوری می‌گوید این کتاب صرفاً اثری علمی است و بیانگر اعتقادات او درباره قرآن نیست (طهرانی، بی‌تا: ۲۳۱/۱۶). همچنین، او کتابی درباره حفظ قرآن نگاشته (نوری، ۱۴۰۸: ۵۵/۱) و احادیث فراوانی در بیان فضیلت تعلیم و تعلم قرآن جمع‌آوری کرده است (همان: ۲۳۱/۴؛ شریفی، ۱۴۲۹: ۱۳۸-۱۳۹)؛ ضمن اینکه در همان زمان و زمان‌های بعد عالمان شیعی راجع به این عالم به شدت موضع‌گیری کرده و علیه او ردیه نگاشته‌اند.^۸ در حال حاضر، هیچ یک از علمای شیعه قائل به تحریف قرآن نیستند بلکه برای اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن کتاب‌ها تألیف کرده‌اند. برای اثبات این ادعا کافی است به نظریات علمای شیعه نگاهی انداخته شود؛

۱. شیخ صدوق از علمای قرن چهارم: عقیده ما این است که قرآن موجود همان قرآنی است که بر پیامبر خدا حضرت محمد (ص) نازل شده و تعداد سوره‌های آن نیز ۱۱۴ سوره است و هر کس نسبت تحریف به شیعه بدهد دروغ‌گویی بیش نیست (صدوق، ۱۴۱۴: ۸۴).

۲. شیخ مفید^۹ (مفید، ۱۴۱۳: ۸۰-۸۲)، سید مرتضی (هندی، ۱۴۱۰: ۹۲۸/۳) و شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا: ۴/۱) از علمای قرن پنجم نیز قائل به تحریف نشدن قرآن هستند. سید مرتضی نیز می‌نویسد: «قرآن در زمان رسول خدا (ص) مدوّن و جمع بوده است، به

همین صورتی که اکنون وجود دارد. حتی پیامبر اکرم (ص) افرادی از صحابه را بر حفظ قرآن گماشته بود». همچنین، شیخ طوسی در رد تحریف قرآن می‌گوید: «سزاوار نیست درباره نقصان و زیادت قرآن بحث شود. زیرا اجماع بر بطلان زیادت قرآن است. اما نقصان نیز، ظاهراً اجماع مسلمانان بر خلاف آن است؛ یعنی مسلمانان همه قائل به عدم نقصان‌اند و نظر صحیح درباره شیعه نیز همین است».^{۱۰}

۳. طبرسی از بزرگان مذهب شیعه در قرن پنجم قول به تحریف قرآن را رد می‌کند و می‌گوید: «کلام درباره زیادت و نقصان قرآن است. اما زیادت قرآن که اجماع بر بطلان آن است، اما در نقصان قرآن از شیعه و اهل سنت روایاتی نقل شده است. اما قول درست خلاف این روایات است»^{۱۱} (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴/۱).

۴. ابن طاووس حلی، از علمای قرن هفتم، درباره تحریف‌نشدن قرآن چنین می‌گوید: «قرآن مصون و محفوظ از زیادت و نقصان است، چنانچه عقل و شرع این را می‌گوید»^{۱۲} (ابن طاووس حلی، بی‌تا: ۱۹۳-۱۹۴).

۵. حلی، از اعلام شیعه در قرن هشتم، راجع به تحریف‌نشدن قرآن می‌نویسد: «حق آن است که هیچ‌گونه تقدیم و تأخیر و تبدیل در قرآن و آیات قرآنی نیست و اینکه در آن هیچ‌گونه زیاده و نقصانی صورت نگرفته است. پناه به خدا می‌بریم از این‌گونه اعتقاد. زیرا باعث نفوذ در معجزه متواتر پیامبر می‌شود»^{۱۳} (حلی، ۱۴۰۱: ۱۲۱).

۶. زین‌الدین عاملی، از عالمان قرن نهم، درباره تحریف‌نشدن قرآن می‌گوید: «به صورت علم اجمالی و تفصیلی تواتر قرآن ثابت شده و مراقبت از آن نیز به نحو اتم صورت گرفته است، به گونه‌ای که در تفسیر سور و تفسیر آن نزاع می‌کردند نه در اصل آیات. مردم از حفظ فارغ شده و به تفکر در معانی آن مشغول بودند. اگر چیزی از قرآن زیاد یا کم می‌شد هر عاقلی آن را می‌دانست، هرچند آن را حفظ نباشد. زیرا تحریف، مخالف با فصاحت و اسلوب قرآن است» (بیاضی، ۱۳۸۴: ۴۵/۱).

۷. نورالله تستری (بلاغی، ۱۴۲۰: ۲۵-۲۶) و شیخ بهاء‌الدین عاملی، از عالمان قرن یازدهم، نیز به مسئله تحریف‌نشدن قرآن تصریح دارند. شیخ بهایی در این باره می‌گوید: «نظر صحیح آن است که قرآن محفوظ از تحریف است، به دلیل آیه حفظ؛ و آنچه مشهور است بین مردم از اینکه می‌گویند اسم امام علی (ع) از قرآن حذف شده است حرفی است که نزد علما هیچ اعتباری ندارد»^{۱۴} (همان: ۲۵-۲۶).

۸. محمدحسین کاشف الغطاء، شرف‌الدین العاملی (شرف‌الدین، ۱۳۷۳: ۳۴-۳۸)، محمدرضا مظفر (مظفر، ۱۳۸۷: ۵۹) از اعلام شیعه در قرن چهاردهم به مسئله تحریف‌نشدن قرآن اشاره دارند. کاشف الغطاء در این باره می‌نویسد: «کتابی که اکنون در دست مسلمانان است همان کتابی است که خداوند بر پیامبر نازل کرده است برای اعجاز، تحدی و بیان احکام و در این کتاب هیچ‌گونه نقض و تحریف و زیادی وجود ندارد و اخباری که از طریق شیعه و اهل سنت درباره تحریف قرآن وارد شده ضعیف و شاذ است و خبری که واحد است مفید علم نیست و در مرحله عمل بی‌فایده است» (آل کاشف الغطاء، ۱۴۱۳: ۶۶-۶۷).

۹. طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۶/۱۲)، موسوی خمینی (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۱۶۵/۲)، خوبی (خوبی، بی‌تا: ۲۵۸) و بسیاری دیگر از علمای شیعه (نک: معرفت، ۱۳۸۶: ۵۵-۷۲؛ رضوی، بی‌تا: ۱۵۷-۱۸۱)، در قرن پانزدهم نیز قائل به تحریف‌ناپذیری قرآن هستند. موسوی خمینی در جواب به اخباری که دال بر تحریف قرآن است چنین نگاه‌اشته است: «کسی که آگاهی داشته باشد بر اینکه چقدر مسلمین بر حفظ و جمع، ضبط آن از جهت قرائت و نوشتار تلاش داشته و دارند، متوجه می‌شود که قول به تحریف قرآن قولی است باطل، و روایاتی که درباره تحریف قرآن به آن تمسک می‌کنند یا ضعیف است که قابلیت استدلال ندارد یا جعلی است که در آن نشانه‌های جعلی بودن آشکار است یا غریب است، اما آن روایاتی که صحیح است مسئله تأویل و تفسیر را بیان می‌کند»^{۱۵} (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۱۶۵/۲).

علمای اهل سنت نیز شیعه را از قول به تحریف قرآن مبرا می‌دانند. رحمت‌الله هندی می‌نویسد: «قرآن مجید نزد جمهور علمای شیعه امامیه، مصون از تحریف است و اگر کسی از آنها قائل به تحریف باشد، دیگر علما آن را رد کرده‌اند»^{۱۶} (هندی، ۱۴۱۰: ۹۲۸/۳). محمد غزالی می‌نویسد: «مردی غضبناک پیش من آمد و پرسید چگونه شیخ الأزهر فتوا داده که شیعه مذهبی از مذاهب اسلامی و معروف است، در حالی که می‌گویند آنها قرآنی غیر از این قرآن دارند و به سوی کعبه می‌روند برای اینکه آن را تحقیر کنند؟ نگاه تأسف‌باری به این مرد کردم و گفتم تو معذوری. زیرا همواره این چنین بوده که برخی از ما برخی دیگر را در معرض حمله و از بین بردن کرامت قرار می‌دهد» (غزالی، ۱۳۷۹: ۴۱۴). محمد عبدالله دراز نیز در این باره می‌نویسد:

بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف‌شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه / ۶۳

«شیعه ۱۳ قرن است که قائل به تحریف‌نشدن قرآن است». او در ادامه کلام شیخ صدوق را به عنوان شاهد ذکر می‌کند (دراز، ۱۳۹۱: ۳۹). محمد مدنی، از بزرگان دانشگاه الأزهر، چنین می‌نویسد: «امامیه اعتقاد به نقص قرآن ندارند، فقط برخی از روایات در کتب آنها ذکر شده است، همچنان‌که مثل همین روایات در کتب ما هم ذکر شده است و محققان و علمای دو فرقه این روایات را رد کردند و در شیعه امامیه و زیدیه کسی که به تحریف قرآن قائل باشد، وجود ندارد» (مدنی، ۱۳۷۹: ۳۸۲).

مصطفی الشکعة، أحمد محمد جلی، زرقانی، بهنساوی، عبدالصبور شاهین از دیگر علمای اهل سنت‌اند که به عقیده شیعه بر تحریف‌نشدن قرآن تصریح کرده‌اند (حسینی، ۱۳۷۵: ۱۶۹، ۱۷۸). برخی دیگر از علمای اهل سنت به صور غیرصریح به تنزیه شیعه از تحریف قرآن اذعان کردند. مولوی عبدالرحمن محبی (محبی، بی‌تا: ۷) و قرطبی (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸۰/۱) از جمله این افراد هستند.

ادعای دوم: قائلان به تحریف قرآن کافرند

این ادعا به این مطلب اشاره دارد که قائلان به تحریف قرآن کریم کافرند. زیرا قائل به تحریف، غیرمستقیم قائل به انکار برخی آیات، از جمله آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (الحجر: ۹) (قائل به ابلاغ‌نشدن رسالت از ناحیه پیامبر (ص)) است و این کفر است. کفری که این گروه ثابت کرده کفر معین است. زیرا تمام علمای شیعه را به دلیل تحریف قرآن کافر می‌دانند.

پاسخ

۱. برای نسبت‌دادن کفر به شخص یا گروهی به صورت معین دو چیز نیاز است. اول اینکه مقتضی موجود و در مرحله دوم مانع مفقود باشد. می‌توان گفت در کلام اخباری‌ها مقتضی برای نسبت کفر وجود ندارد. زیرا اخباری‌ها قائل به حجیت‌نداشتن ظواهر به صورت مستقل بوده و حجیت آن را با توجه به روایات مبین می‌دانند. در واقع، اخباریان کلام خدا را بالاتر از آن می‌دانند که عقول بشر عادی به آن دست یابد (العلانی، ۱۴۲۵: ۲۷/۱)؛ در نتیجه کلام اخباری‌ها جایی برای اتهام ایشان به کفر نیست. ضمن اینکه علمای اهل سنت منکران برخی آیات و سوره‌قرآنی را کافر نمی‌دانند.

ابن نجیم حنفی در *البحر الرائق* می نویسد: «در جزئیت بسمله اختلاف است. برخی آن را جزء تمام سور قرآن دانسته و برخی آن را جزء سوره حمد می دانند». ایشان در ادامه قول به جزء سور بودن را انتخاب کرده و در پایان می گوید: «اگر کسی انکار جزئیت بسمله کند تکفیر نمی شود. زیرا انکار چیزی قطعی موجب کفر نمی شود» (ابن نجیم، بی تا: ۳۳۰/۱). همچنین، وی به اختلاف درباره تکفیر قائلان به تحریف اشاره کرده است (همان: ۱۰۱/۵). نووی، یکی دیگر از علمای اهل سنت، تکفیر اثبات کنندگان و منکران بسمله را به دلیل مشتبه شدن امر بر او جایز نمی داند. حتی ابن تیمیه نیز قائلان به تحریف را کافر ندانسته، بلکه درباره آنها تعبیر به مبتدعه کرده است (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۱۶: ۱۷۹/۱۲-۱۸۰). وی در جای دیگری می گوید حتی برخی از صحابه برخی از آیات قرآنی را قبول نداشتند و آن را جزء قرآن نمی دانستند (همان: ۴۹۲/۱۲-۴۹۳).

۲. در این ادعا بیان شده قائلان به تحریف قرآن کافرند. بر فرض که این قضیه درست باشد باید افراد بسیار کم و نادری تکفیر شوند نه همه علمای شیعه. زیرا در جای خود ثابت شد که قاطبه علمای شیعه قائل به تحریف ناپذیری قرآن هستند.

نتیجه

قول به تحریف قرآن از اتهاماتی است که برخی از تندروها، از جمله گروه‌های سلفی جهادی، برای توجیه جنایات خود علیه شیعه به علمای شیعه و شیعیان می‌زنند و بر گفته خود چنین استدلال می‌کنند که شیعه قائل به تحریف قرآن است و کسی که این عقیده را دارد کافر است، در حالی که با بررسی‌های به‌عمل آمده مشخص شده که علمای شیعه از قدیم‌الایام تاکنون قائل به تحریف ناپذیری قرآن بودند و بر این باور به ادله عقلی و نقلی تمسک کردند. ضمن اینکه علمای اهل سنت و حتی ابن تیمیه به عنوان پدر معنوی گروه سلفی جهادی قائلان به تحریف را تکفیر نمی‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گروه‌های سلفی جهادی عبارت‌اند از گروه‌ها یا افرادی که قائل به جهاد مسلحانه علیه حکومت‌های موجود در کشورهای اسلامی و همچنین حرکت مسلحانه علیه دشمنان خارجی خود هستند. تفکرات این گروه در چارچوبی متشکل از مبادی حاکمیت و قواعد ولاء (دوستی با مسلمانان) و براء (دشمنی با کفار) و قواعد اساسی جهاد بنا شده است (السوری، بی تا: ۶۸۶). به گفته رهبران این

بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف‌شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه / ۶۵

گروه، ارکان سلفیه جهادیه متشکل از عقاید سلف با تکیه بر عقاید و افکار ابن تیمیه، فقه علمای وهابیت و افکار محمد بن عبدالوهاب و اندیشه رادیکالی برخی از رهبران اخوان المسلمین، از جمله سید قطب، است (همان).

۲. «فمن الشرك الصراح و عبادة القبور والطواف بالأضرحة إلى تكفير الصحابة ... وصولاً إلى تحريف القرآن ... إلى غير ذلك من صور الكفر و مظاهر الزندقة».

۳. «مَعَ غَيَابَاتِ هَذِهِ الظُّلُمَاتِ أَضَافُوا لِمُعْتَقَدَاتِهِمُ الرَّدِيئَةَ قَوْلَهُمْ بِتَحْرِيفِ الْقُرْآنِ، سَوَاءً أَكَانَ بِاللَّفْظِ أَمْ بِالْمَعْنَى وَالشَّرْحِ».

۴. مصطفی بن عبدالقادر معروف به ابومصعب سوری متولد ۱۳۷۸ ه. ق. از کشور سوریه است. او در سوریه علیه نظام قانونی این کشور دست به عملیات های نظامی و خرابکارانه زد. جنگ در افغانستان سبب آشنایی بیشتر او با رهبران گروه های تکفیری از قبیل امام شریف، بن‌لادن، و عبدالله عزام و همکاری او با القاعده شد. سوری از طریق رسانه و تألیف کتاب در زمینه جذب جوانان به گروه‌های تکفیری فعالیت داشت (علوش، ۲۰۱۵: ۳۸۴-۳۸۵).

۵. عبدالمنعم مصطفی حلیمه، معروف به ابوبصیر طرطوسی، «پدر معنوی» و «مفتی» جنبش احرار الشام محسوب می‌شود و از افراد بسیار مؤثر در فعالیت‌های «جبهه اسلامی» به شمار می‌آید که جنبش احرار الشام یکی از تشکیل‌دهندگان اصلی‌اش است (علوش، ۲۰۱۵: ۳۸۷-۳۸۶).

۶. عصام طاهر البرقاوی، معروف به ابو محمد المقدسی، متولد ۱۹۵۹ م. است که در اردن زندگی می‌کند. او یکی از نظریه‌پردازان و رهبران فکری گروه‌های تکفیری در دوره‌های القاعده و جبهه النصرة است که در تشویق جوانان به جنگ و ترور نقش کلیدی ایفا می‌کند. همچنین، در زمینه تشویق جوانان به این کار، کتب و بیانیه‌های مختلفی نگاشته است و استاد ابومصعب زرقاوی شمرده شده و چندین بار حکومت اردن او را به سبب آرا و افکارش به زندان انداخته است (علوش، ۲۰۱۵: ۳۸۸-۳۸۹).

۷. اهتمام علمای شیعه، خصوصاً مفسران به آیاتی که دال بر تحریف‌نشدن قرآن است و نقل احادیث دال بر تحریف‌نشدن بهترین شاهد بر این مطلب است (محمدی (نجارزادگان)، ۱۴۲۳: ۱۸-۲۷).

۸. از جمله کتبی که در رد کتاب محدث نوری در همان زمان نگاشته شد کتاب کشف الارتیاب عن تحریف القرآن نوشته محمود تهرانی معروف به معرب، و در عصر حاضر کتب مختلفی از جمله کتاب سلامة القرآن من التحريف و تغنيد الافتراءات على الشيعة نوشته فتح‌الله نجارزادگان است، که در فصل سوم به نقد آن پرداخته است.

۹. چنانچه بیان شد، نظر و عقیده شیخ مفید تحریف‌نشدن قرآن به زیاده و نقیصه است.

۱۰. «و أمّا الكلام فی زیادته و نقصانه فمما لا یلیق به، لأنّ الزیادة فیہ مجمع علی بطلانها، و أمّا النقصان منه فالظاهر أيضاً من مذاهب المسلمین خلافه، و هو الألیق بالصحیح من مذهبنا».

۱۱. «الكلام فی زیادة القرآن و نقصانه؛ فأما الزیادة فیہ فمجمع علی بطلانها، و أمّا النقصان منه فقد روی جماعة من أصحابنا و قوم من الحشویة العامة أنّ فی القرآن تغییراً و نقصاناً، و الصحیح من مذهب أصحابنا خلافه».

١٢. «كان القرآن مصوناً من الزيادة والنقصان كما يقتضيه العقل والشرع ... و إن رأى الامامية هو عدم التحريف».
١٣. «الحقّ أنه لا تبديل ولا تأخير ولا تقديم فيه، وأنه لم يزد و لم ينقص، و نعوذ باللّٰه تعالى من أن يعتقد مثل ذلك و أمثال ذلك. فإنّه يوجب التطرّق إلى معجزة الرسول عليه و آله السلام المنقولة بالتواتر».
١٤. «والصحيح ان القرآن العظيم محفوظ من التحريف، زيادةً كانت أو نقصاناً بنص آية الحفظ من الذكر الحكيم، و ما اشتهر بين الناس من إسقاط اسم أمير المؤمنين فى بعض المواضع فهو غير معتبر عند العلماء».
١٥. «إن الواقف على عناية المسلمين على جمع الكتاب و حفظه و ضبطه قراءةً و كتابةً يقف على بطلان تلك الدعوة المزعومة- التحريف- و ما ورد من أخبار- حسبما تمسكوا به- أمّا ضعيف لا يصلح للاستدلال به، أو مجعول تلوح عليه أمارات الجعل، أو غريب يقضى بالعجب، أمّا الصحيح منها فيرمى إلى مسألة التأويل والتفسير، و إن التحريف إنّما حصل فى ذلك، لا فى لفظه و عباراته».
١٦. «القرآن المجيد عند جمهور علماء الشيعة الامامية الاثنى عشرية، محفوظ عن التغيير والتبديل، و من قال منهم بوقوع النقصان فيه فقلوه مردود غير مقبول عندهم».

منابع

- ابن بابويه قمى (صدوق)، محمد بن على (١٤١٤). *الاعتقادات*، قم: بى نا، چاپ دوم.
- ابن تيميه حرانى، احمد (١٤١٦). *مجموع الفتاوى*، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينة نبوية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابن حنبل شيبانى، أحمد (١٤٢١). *مسند أحمد بن حنبل*، تحقيق: شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد و ديكران، بى جا: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.
- ابن حجر عسقلانى، احمد (١٣٧٩). *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، بيروت: دار المعرفة.
- ابن طاووس حلى، على (بى تا). *سعد السعود*، قم: محمد كاظم الكتبي (ناشر)، چاپ اول.
- ابن عباد، صاحب (بى تا). *المحيط فى اللغة*، بيروت: بى نا، الطبعة الاولى.
- ابن قتيبة دينورى، عبدالله بن مسلم (١٤١٩). *تأويل مختلف الحديث*، بى جا: المكتب الاسلامى، مؤسسة الاشراق، الطبعة الثانية.
- ابن نجيم، زين الدين بن ابراهيم (بى تا). *البحر الرائق شرح كنز الدقائق*، بى جا: دار الكتاب الاسلامى، الطبعة الثانية.
- ازهرى، محمد بن احمد (بى تا). *تهذيب اللغة*، بيروت: بى نا، الطبعة الاولى.
- اشعري، على بن اسماعيل (١٤٠٠). *مقالات الاسلاميين واختلاف المصلين*، تصحيح: هلموت ريتتر، فيسبادن، آلمان: دار فرانز شتايز، چاپ سوم.
- أكذوبة تحريف القرآن* (بى تا). السويد: المكتبة الاسلامية الثقافية فى مالمو.
- آل كاشف الغطاء، محمد حسين (١٤١٣). *أصل الشيعة وأصولها*، بيروت: مؤسسة الأعلمى، الطبعة الرابعة.

بررسی و نقد دیدگاه علمای سلفی جهادی درباره اتهام تحریف‌شدن قرآن کریم به دست علمای شیعه / ۶۷

بخاری، محمد (۱۴۲۲). صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر، بی‌جا: دار طوق النجاة، الطبعة الاولى.

بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت، چاپ اوله بیاضی، علی بن محمد (۱۳۸۴). الصراط المستقیم إلى مستحقى التقدیم، بی‌جا: المكتبة المرتضوية، الطبعة الاولى.

چفری، اثر (۱۹۵۴). مقدمتان فی علوم القرآن (مقدمه کتاب المبانی و مقدمه کتاب ابن عطیه)، بی‌جا: مكتبة الخانجي.

حسینی، شهاب‌الدین (۱۳۷۵). «اتفاق المسلمین علی صیانة القرآن من التحریف»، در: رسالة التقریب، ش ۱۳، ص ۴۴-۶۵.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۱). أجوبة المسائل المهنية، قم: خیام. خوئی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، الطبعة الاولى. دراز، محمد عبدالله (۱۳۹۱). مدخل إلى القرآن الکریم، الکویت: دار القلم.

رضوی، مرتضی (بی‌تا). آراء علماء المسلمین فی التقیة والصحابة و صیانة القرآن الکریم، بی‌جا: بی‌نا. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی‌تا). مانهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌جا: مطبعة عیسی البابی الحلبي و شرکاه، الطبعة الثالثة.

زرقاوی، ابومصعب (۱۴۲۷). الأرشيف الجامع لكلمات و خطابات الشيخ أبی مصعب الزرقاوی، بی‌جا: شبكة البراق الاسلامية، الطبعة الاولى.

زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷). البرهان فی علوم القرآن، بی‌جا: دار إحياء الكتب العربية عیسی البابی الحلبي و شرکائه، الطبعة الاولى.

زید، مصطفی (۱۴۰۸). النسخ فی القرآن، مصر: دار الوفا، الطبعة الثالثة.

السجستانی، أبوبکر بن أبی داود (۱۴۲۳). کتاب المصاحف، مصر: الفاروق الحديثة، الطبعة الاولى.

سوری، ابومصعب (بی‌تا الف). الثورة الاسلامية الجهادية فی سوريا ۲، الفكر والمنهج، بی‌جا: بی‌نا.

السوری، ابومصعب (بی‌تا ب). دعوة المقاومة الاسلامية العالمية، بی‌جا: بی‌نا.

سیوطی، ابوبکر جلال‌الدین (۱۳۹۴). الاتقان فی علوم القرآن، محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

شرف‌الدین الموسوی، عبدالحسین (۱۳۷۳). أجوبة مسائل جار الله، صیدا: مطبعة العرفان، الطبعة الثالثة.

شرفی، محمود (۱۴۲۹). اسطورة التحریف (دراسة فی مسألة التحریف عند الشيعة والسنة)، تهران: نشر مشعر، چاپ اول.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۴). الاعتقادات، تحقیق: عصام عبدالسید، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، الطبعة الثانية.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). الميزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
 طرطوسی، ابوبصیر (بی تا الف). الشیعة الروافض طائفة شرک وردة، بی جا: بی نا.
 طرطوسی، ابوبصیر (بی تا ب). مجموع فتاوی الشیخ أبی بصیر الطرطوسی، بی جا: بی نا.
 طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 طهرانی، آقابزرگ (بی تا). الذریعة، بیروت: دار الأضواء، الطبعة الثالثة.
 عسکری، مرتضی (۱۳۷۸). تحریف القرآن الکریم و روایات المدرستین (ج ۳)، تهران: دانشکده اصول
 دین، چاپ اول.
 العلائی، صادق (۱۴۲۵). إعلام الخلف بمن قال بتحریف القرآن من اعلام السلف، قم: مرکز الآفاق
 للدراسات الاسلامیة، الطبعة الاولى.
 علوش، محمد (۲۰۱۵). داعش و اخواتها من القاعدة الى الدولة الاسلامیة، ریاض: الرياض الریس الکتب
 والنشر، الطبعة الاولى.
 الغزالی السقا، محمد (۱۳۷۹). رسالة الاسلام، مصر: مجمع تقریب بین المذاهب.
 قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب
 الاسلامیة.
 محبی، عبدالرحمن (بی تا). اتفاق مسلمانان بر صیانت قرآن مجید از تحریف، بی جا: بی نا.
 محمدی (نجارزادگان)، فتح الله (۱۴۲۳). سلامة القرآن من التحریف و تفنید الافتراءات علی الشیعة،
 بی جا: نشر مشعر، چاپ دوم.
 مدنی، محمد (۱۳۷۹). «رحة البعث فی کلیة الشریعة»، رسالة الاسلام، مصر: مجمع تقریب بین المذاهب.
 مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷). عقائد الامامیة، قم: انتشارات انصاریان، چاپ دوازدهم.
 معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶). صیانة القرآن من التحریف، قم: مؤسسة التمهید، چاپ اول.
 مفید، محمد (۱۴۱۳). أوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، قم: بی نا، چاپ اول.
 مقدسی، ابومحمد (بی تا الف). کلمة فی المنهاج (۳) العبرة بالحقائق والمعانی لا بالأسماء والمبانی،
 بی جا: بی نا.
 مقدسی، ابومحمد (بی تا ب). أجوبة أسئلة اللقاء المفتوح لأعضاء شبكة شموخ الاسلام، بی جا: بی نا.
 مقدسی، ابومحمد (بی تا ج). النکت اللوامع فی ملحوظات الجامع، بی جا: بی نا.
 موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۲). تهذیب الأصول (تقریرات جعفر سبحانی تبریزی)، قم: دار الفکر،
 الطبعة الاولى.
 نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت (ع)،
 الطبعة الاولى.
 هندی، رحمت الله (۱۴۱۰). اظهار الحق، عربستان: الرئاسة العامة لادارات البحوث العلمیة والافتاء
 والدعوة والارشاد، الطبعة الاولى.